

ابتکار و هوش در جهان حیوانات

- سرگشت عجیب فیلی که برای پانسمان پایش شبانه در معطب
- دکتر معالج خود را کوفت!
- پل سازی عجیب مورچگان و عملیات جتر بازی شگفت انگیز آنها!

بیروی شگرف فکر و دانش بشر را به برت برتری آسای خود ، چشم همه را خیره کرده و همه چیز را تحت الشعاع قرار داده است . تا آنجا که هوش و فکر را مخصوص خود دانسته . هوش فوق العاده بسیاری از حیوانات و ریزه کاریها و ابتکارهای آنها را نادیده گرفته است و به استناد آنها که در برخی از موارد به صورت یک ابتکار فوق العاده و با تکیه تا کنیک جالب بروز می کند ، هیچگونه توجهی نمی شود !

در حالی که هوش و ریزه فطری حیوانات بسیار در خود قدرت و مطالعه است ، زیرا ریزه در بسیاری از موارد برتر از بیروی عقل عمل می کند و هیچ گونه اشتباهی ندارد و با کمتر دچار اشتباه می شود .

دولتر می گوید : « ریزه برتر از عقل است زیرا عقل را قوه فکر انسان در هر لحظه که دلی غیره را خداوند هدایت و رهبری می کند و پیدا است که در تصور اشتباهی ندارد » و سادرا اینجا نتوان نمونه به دو مورد از ابتکارات جالب حیوانات اشاره می کنیم :

درباره قبل که آنرا باهوش ترین حیوانات می دانند ، « پروفوسورومان ، آلمان چنین می گوید : روزی یک فیل وحشی را که مجروح شده بود برای مداوا و پانسمان به مطلب می آوردند پس از معاینه لازم در خمپاشش را پانسمان کردم پس از سه روز معالجه و مداوا حیوان بهبود یافت و رفت .

پس از مدتها يك شب بی خیال در معطب خود نشسته بودم نصف شب بود در راه می گویند اما آن موقع شب وقت معمولی مرا چه بیماران نبود اما در آنچنان کوییده می شد که ناچار در را باز کردم ، دیدم همان فیلی است که چند سال پیش او را معالجه کرده ام . وقتی که مرا دید با کمال ملاطفت مرا با شرط هوشی نوازش کرد و گویی با این عمل می خواهد اعلان حق شناسی و سپاسگزاری کند و سپس یکی از پاها را با علامت بمن نشان داد وقتی که دقت کردم دیدم پایش مجروح است و خون زیادی از آن جاری است و این حیوان با این کار دوباره مرا برای درمان پای مجروح خویش دعوت می کرد ! و طبیعاً من وظیفه خود را انجام دادم (۱)

* * *

جالب تر آنکه باره ای از حشرات گاهی به ابتکارات شگفت انگیزی دست می زنند . درباره اسرار مورچگان و رموز زندگی آنها داستانها گفته شده و کتابها تالیف گردیده است .

این جریان حس از شگفتیهای هوش این مورچه میف است که در ابتکار و تا کنیک دست بشر با هوش را از پشت بسته است .

« الی دوی » جریان جالبی را در این باره نقل می کند وی می افزاید که در یکی از تملیلات پایان هفته دوست طبیعی دان ما درباره هوش و ذکاوت مورچه نطق مفصلی کرد ولی من گفتم باشا شرط می بندم که غذا را در ظرف روبازی بگذارم و تا یک هفته مورچه با همه هوش و ذکاوتش نتواند آن دسترس پیدا کند ! ابتدا پیشنهاد مرا سبک شرد و سپس قبول کرد . من همان شب نقشه ام را پیاده کردم ، طشقی پر از آب در وسط آشپزخانه گذاشتم و سپس چراغ را با داری را در وسط آن قرار دادم . روی چراغ ظرفی گذاشتم در میان آن تملیکی که پر از شیر بود . با یک تکه نان شیرینی شکلاقی قرار دادم و اطراف پایه های چراغ را با مواد چسب پوشاندم تا مانع عبور مورچه ها گردد و نتوانند از آن بالا روند .

این وسیله بسیار مطمئن برای جلوگیری از عبور مورچه بود زیرا لیزندگی طشت و آب و سپس چراغ چسب که هر يك از آنها مانع بزرگی برای بالا رفتن و نفوذ مورچگان بود سپس برای اطمینان بیشتر لیه خارجی طشت را با چسب مایع آغشته کردم تا به هیچ وجه امکان بالا رفتن نباشد !

یکشنبه هفته بعد هنگامیکه وارد آشپزخانه شدم ، نان شیرینی پوشیده از مورچه بود!

دوست طبیعی دان من درحالیکه ایستد می زد تکلیک عجیب حشرات چاره چو دارا ام
شرح داد و گفت آنقدر هم که شما فکر می کنید مورچهها کودن می فکر نیستند هوش وشامه آنها
فوق العاده قوی است .

به تا تکلیک جالبی که در این مورد بکار می برند نگاه کن . آنها ابتدا پیشانی هم صف
کشیدند و بدینوسیله سه زنده و جاننداری بوجود آوردند تا بقیه مورچهها از روی آنها بتوان
پل عبور کنند و سپس برای پیروزی بر آب درخت گاه را جمع آوری کرده وبا ترشحات مخصوص
خود آنها را بهم چسباندند و بدین طریق پل بزرگی روی آب ساختند .

پای درشتی طرفی بین ساحل و جزیره (الزلب طشت ، آ با به چراغ) وباین ابتکار
خود را بطرف شیرینی وسط نعلبکی رساندند هنوز دهان من از تعجب باز بود ، که دوست
داشتمندم گفت بسقف آشپزخانه نگاه کن وقتی که نگاه کردم مورچههایی را در رفت و آمد
دیدم و عدهای از مورچهها ، دست معجادی شیرینی بسقف چسبیده بودند و صاحب آنها که مورچهها
و فیکه بدانجا می رسیدند بصورت قائم برسقف آوران شده و دست خود را روی شیرینی
پرت می کردند . وبا این عمل بمقصد خود نائل میشدند ! (۱)

دستی این همه هوش و ابتکار در حیوانت خود و بریر ، خود دلیل بر آفریدگار دانا و
وینا ، حکیم وتوانا نیست .

اگر اندکی تفکر و اندیشه بخود راه دهیم خواهیم دید همان قدرت و حکمتی که
بزرگترین موجودات را با نظم و دقت خاصی آفریده ، همو بزرگترین پدیدهها را با
طرافت و دقت و سراسر حکمتی آفریده است .

امیر مومنان (ع) می فرماید : آیا نگاه می کنید بچوئانک کوچکی که چگونه آفرینش
اورا استوار و محکم کرد و یا تر کبب خاصی آنرا پدید آورد ، گوش و چشم و پوست متناسب آن
چشمش را بیان داد ...

اگر راههای اندیشه و تفکر را بیستابید و بهدف آفرینش بیفیشید باین نتیجه می رسید
که آفریدگار مورچه همان آفریدگار درخت خرما (وحیوانات بزرگتری است) و هر یک را
با حکمتی ویژه آفریده است .

مورچه و پیل ، کوه و کاه بزرگ و کوچک ، نیرومند و ضعیف ، سنگین و سبک در برابر
قدرت وتوانائی او یکسان است . و تأمل درشگفتی و سراسر هر یک و حکمتهای دقیق و باریکی
که در آنها نهفته است همه و همه دلیل بر وجود هشی و آفریدگار می باشد . (۲)

(۱) شکار و طبیعت شماره ۲۱ ص ۴۶

(۲) قسمتی از خطبه ۲۲۷ ص ۲۲۷ ، مجمع البیان فیض الاسلام .